

بسم الرب شرفه و صالحین ا

هیچوقت از عجزت من بوی پروردگام افسوس نخورید

ای کسانی که ایمان آورده اید و با ما می آید اضرابی دین نباشد که وقتی برادرستان  
باز می آید می رود و یاد درختی شرکت می کنند (و یا در جنگ یا مسافرت شده

می شوند یا می بینند میگویند اگر آنها نزد ما بودند نمی مردند و یا کشته نمی شدند خدا شکوه  
سفن نگردد

دورود بر مهدی (ع) و سلام دورود بر خمینی کبیر و سلام بر شهیدان  
به خون خفته و صحبت نامه خود را موقفی می گوئیم که حین ساعتی بیشتر

که به بجهت حق علیه باطل اعزاز ششم و خدمت پدر مادر و خواهر و برادر بزرگوار  
ما را از تقدیم عرض سلام از سر زمین کربلا ای امیر الان سفین می گوئیم  
امید داریم که حال شما خوب باشد پدر جان مادر جان همانطور که در آیه بالا ذکر شده

و میگویند اگر آنها نزد ما بودند نمی مردند و یا کشته نمی شدند چنانچه افرادی  
نباشند و صحبت قلبی خود را شاد و پیر از مهر و ملاحظت کنید و پیش دشمنان

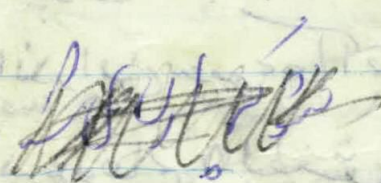
تاکه از دامن پر کشودم از جهان شما پر کشیدم  
راحتم بی که من ناملایم از زبان منافق کشیدم  
مان بنامه تو آرزوی من بریدم بعشق و امیدم  
در خلا نرفت و هم امام در رهش با سرو پا دویدم  
در ~~مهر~~ مین و حقیقت نرفت هم با حقیقت کتاب مجیدم  
مادرم مادرم من شهیدم من با محبوب و جانان بریدم  
هموطن هموطن مان میایی من چون در خون خود آرمیدم  
راه من راه ساره بیدو گید

من شهیدم من شهیدم شهیدم  
با امید و آرزوی شهادت  
برادر البر شهبازی

۱۷/۸/۱۳۶۰

۱۰۸۷۰۱/۱۱

۱۴۴۵۰۷



از دوستان خدیجه و ذال و آتش ایالم می خواهم که راه مرا ادامه دهند  
تا مردم مشرک به حق خود برسند مردی که بر باد و منافقین  
من شهیدم

مادرم مادرم من شهیدم  
من به محبوب جانان رسیدم

کشند همین راه دین ثم  
من که از قید این تین رسیدم

من که حبل المئین را گرفتم  
در ره حکم جانان شهیدم

من که عینو بیج سپاهم  
غرقه در خون به سنگر شهیدم

مرز همین سدا از خون من سرخ  
من به مرز وطن آوردم

من رضای خلاوند سبحان  
با پهلای تین و جان خریدم

مادرم مادرم من شهیدم  
من به محبوب جانان رسیدم

بان نثار امام عزیزم  
جز سعادت در این راه ندیدم

با استهادت رسیدم به جانان  
چون حجاب خودی را دریدم

بسکه فلامه در رزم دشمن  
اندر این جبهه ها آفریدم

جز سعادت ندیدم در این راه  
در دو عالم به لطفش رسیدم

مادرم مادرم من شهیدم  
من به محبوب جانان رسیدم

خدا (منافقی) سر بلند با ستیلا و افتخار کند نه چنین ضرر زندی داشته  
و در راه خدا عده نهودید و هیچ وقت از جهت من بوی پروردگارم انوس

تخویریه زیرا راجحی که بوده من افتخار کردم من صفو به هر جهت این راه انشا  
کردم اضره الی الله یعنی برای نزدیکی بخدا یعنی سبیل الله یعنی در راه کسی که او را

می شناسم و با او راز و نیاز می کنم پس به نام لقاء الله یعنی به خدایی که او را پرستی  
میکنم پرستم و آری من میروم به سرزمین کربلای تا با خون سرخ

خود ایران اسلام خویش را کشتن کنم و تا ظهور مهدی عجل جابویدان بمانم  
پدر جانم مادر جانم و پدر ادب جانم شود تا آن صیدانده که من در زندگانی خویش

هیچ ثروتی ندارم و اگر داشتم در راه خدای دادم فقط چیزی که داشتم خاک خویش  
بود که فدایم الله کردم و از شما ای پدر مادر برادر و خواهر و کسنان آری

من خواهم برای من کربیه نکند چون شفا عیشی من بود برای اینکه شهادت  
بقدری شیرینی است که کربیه ندارد زیرا که پیغمبر اسلام <sup>(ص)</sup> می فرماید که خدا  
ترین هر گناه است و یاد در جای کربیه میفرماید که امیدترین هر گناه شده شدن  
در راه خداست

البر شهبازی فرد فرزند شهبازی شهبازی فرد در تاریخ ۲۲ شهریور ماه ۱۳۴۰

در شهر اصفهان در بیک خانواده مذهبی، کاریگری بدنی آمد دوران کودکی نزد پدر و مادر گذراند

و از سن ۹ سالگی به دبستان گذاشته شد دوران دبستان در روستای شهرستان اصفهان

گذراند دوران راهنمایی سال اول را در مدرسه راهنمایی ناصر خمی (محمد باقر صدر) به هلو روستا

گذراند و روزها به شغل کاری می گذراند سپس تا پایان کوم راهنمایی را در مدرسه سپاسه

ارنگ گذراند سپس مدت یکسال به هلو موقت در بیمارستان قاراجی مشغول بکار شد و

بعیت نداشتن معافی با پایان خدمت از بیمارستان اخراج شد و بعد از آن در جرایل اوج <sup>انقلاب</sup> کرب

فعالیت گسترده ای علیه رژیم منغور بهلوی را آغاز کرد و در قضاوت استامبراه با خانواده

خود شرکت می کرد سپس بعد از پیروزی انقلاب در ستاد تبلیغیات شروع به فعالیت

کرد و در این راه لیاقت و استعدادهای چشمگیری از خود نشان داد و بدون هیچ چشم داشتی

سازگاری با کار پیگیری انقلاب فعالیت می کرد سپس در مرداد ماه ۱۳۵۸ بعیت

بیماری کلیه از خدمت مقدس سربازی معاف شد سپس البر به سپاه پاسداران مراجعه

کرد و معافی خود را ارائه نمود تا در سپاه خدمت کند وی سپاه اکبر را بیخاطر داشتن معافی

نرسلی و نداشتن سلامتی کامل او را تئذ برفت سپس البر دوباره به تبلیغیات روی

آورد و تا پایان سال ۱۳۵۸ فعالیت نمود در آغاز سال ۱۳۵۹ در بهاری تذاب صفوی

استخدام شد سپس به صورت دوام طلب در تاریخ ۱۸ آبان ۱۳۵۹

عمله پیرزمنده به پستان در خط مقدم جبهه حضور داشته است سپس بعد از عمل

پستان به شهر اصفهان بازگشت و یکبار مسئول شد و دائمه منتقلی اعلام اعزام نیرو

از طرف رادیو بود و مدام با سپاه و بسیج در تماس بود تا تاریخ دوم فروردین ۱۳۶۷

همزمان با اعلام رادیو مبنی بر اعزام نیرو و افرادی دوره آموزش را گذرانده اند تا کبر در

وزنهم فروردین به جبهه اعزام شد سپس تا ۱۷ اردیبهشت در جبهه فعالیت می

کرد و در تاریخ ۱۷ اردیبهشت در مصاف با نیروها که مدام کافر در عملیات می

بودت المقدس به درجه رفیق شهادت تائیل آمد

روانشناسی پاک و راهش پیر هر و یاد

الف : مشخصات / شهید / مفقود  
 نام و نام خانوادگی : **البر سرباززاده**  
 شماره شناسنامه و محل صدور : **۲۵۳ اصول**  
 نام پدر : **سیدعلی**  
 تاریخ و محل تولد : **۱۳۴۰ اصول**  
 شماره پرونده : **۲۱۵۹**  
 میزان تحصیلات و نوع شغل : **اول نظری**  
 متاهل  مجرد   
 تعداد فرزندان : **دختر : / پسر :**

ب : مشخصات تکمیلی :  
 تاریخ و محل مفقود شدن : **شهادت : خرمین سر ۲۱/۲/۱۷**  
 شهادت : **بیت المقدس**  
 نام عملیات هنگام مفقود شدن : **شهادت**  
 نحوه مفقود شدن : **شهادت**  
 را مرقوم فرمائید :

ج : اطلاعات خواسته شده :

۱- چنانچه در دفاع مقدس / شهید / مفقود شده است ارگان اعزام کننده را نام ببرید . **بیج**  
 ۲- ویژگیها و خصوصیات اخلاقی، مذهبی و اجتماعی / شهید / مفقود و نیز رابطه ایشان را با والدین، خانواده، دوستان و مردم را بطور مختصر مرقوم دارید.

۳- وضعیت فرهنگی و اقتصادی خانواده / شهید / مفقود را بطور مختصر مرقوم فرمائید. **خانواده مذهبی و کارگر**

۴- اوقات فراغت خود را چگونه میگذرانید ؟ **مطالعات باقر العالی، نند کتابخانه سید مطهر و امام است**  
 شهید / مفقود

۵- موضع گیریهای <sup>شهید</sup> مفقود در برابر گروه‌های ضدانقلاب چگونه بود؟ چنانچه با آنها مشاجره و درگیری داشت

توضیح دهید. مبارزه علیه رژیم منحوس پهلوی و سرکشی در نظام ارتش و راهپیماییها، در این راه، این وقت و استعداد چشم‌گیری از خدمت‌شان داده، ایشان در برکت‌های بسیار خالص فدایت زبانی داشتند

۶- روحیه ایشان قبل و هنگام عزیمت به جبهه چگونه بود؟ چنانچه به دفعات به جبهه اعزام گردیده بود تعداد اعزامها،

نام عملیات و مناطق عملیاتی را مرقوم دارید. در تاریخ ۱۸ آبان ۱۳۶۰ از ارباب اعزام به جبهه شد.

در عملیات پیروز شدانه بیتان حضور داشت پس بعد از چند روز اصفهان بازگشت و به کار مشغول شد و دوباره همزمان با اعلام رادیو مین برای اعزام نیرو و افرادی که دوره آموزش را گذرانده اند در ۹ فروردین ۱۳۶۱ به جبهه اعزام شد.

۷- آخرین توصیه و پیام <sup>شهید</sup> مفقود چه بود؟ و چنانچه از ایشان خاطره جالبی یاد دارید، مرقوم فرمائید. کتبی از سخنان

تسل از رفتن به جبهه این کلام بود. اگر ما نرویم به جبهه و کشته نشویم امام احمد خم دوخته به جوانان این سر و کوه من است. ایا... ما بتوانیم جواب کتبی را بفرستیم در اینم از زودی موقتاً برای اسلام و پیروزی ترکان و انقلاب در سطح جان.

۸- زمینه‌های تخصصی، هنری و فرهنگی و آثار باقی مانده از ایشان را مرقوم دارید. وصیت <sup>کتبی</sup> نام الصقا شد.

۹- بازتاب شهادت ایشان در محیط خانواده، خویشان، دوستان و محیط کار چگونه بوده است؟

۱۰- چنانچه پیامی برای امت شهید پروردارید و یا مطالب دیگری در مورد <sup>شهید</sup> مفقود بنظرتان میرسد بطور مختصر

مرقوم دارید.



آثار شهید ابراهیم

شهید شهبازی در کلیه جنبهها مشغول بود و در این باره و در باره کارهای خود  
در منزل مشغول تا بلوغ انقلاب و تشریح امامت و کلمه و الله

در کلیه زمینه کار انقلابی و اسلامی به مقاله نگارش و اسلام مانند شهید مطهری و امام است.

نخستینها زیاد در براندازی بعضی صدر و خائنین به انقلاب اسلامی ایران.

در زمینه کار رزمی با ارگانها راجع و پیوسته با درباران در کار برده و همکاری مینموده

منجم برانگونی بن صدر

در محلیت فتح لبنان در جنبه خط مقدم فعالیت رزمی داشت پس از برگشت به خدمت

مبارک در انجام وظایف خود بجهت کوشش و عداقت نشان میداد. بطوریکه به این برگشت  
بجبهه قرار داشت تا اینکه پس از فعالیت زیاد در مؤسسه در محلیت بیت المقدس در فتح خرمشهر

به رخصت رفیق شهید است (در تاریخ ۱۳۰۲/۱۱/۱۰) رسید.

یکی سخن شهید ابراهیم شهبازی قبل از رفتن بجهت السلام بود اگر ما شروع به جبهه چه کسی بود امام است  
چشم دوخته به جوانان ایثارگر و مؤمن است رود. ما بدانیم جواب گوییم رهبر باشیم و دائم آرزوی رفیقیت

بدر اسلام و پیروزی قرآن و انقلاب در سطح جهان داشت و در اندیشه بود که مستضعفین جهان

بما چشم دوخته اند و ما آن را پیروز خواهیم شد.